

## ایران در آئینه آمار

تهیه و تنظیم از مریم اسکویی

ایران در رقابت منفی با کشورهای فقیر جهان!

می‌گویند طبیعت آدمی، همواره وی را بسوی پیشرفت و ترقی سوق می‌دهد. این درحالیست که رژیم جمهوری اسلامی، در طول ۲۳ سال حاکمیت خود، در ضدیت با طبیعت و سرشت بشر، جامعه ایران را دائماً به سوی انحطاط و عقب‌ماندگی، رانده است. از تصویب و به اجرا گذاشتن قوانین واپس‌گرایانه قرون وسطایی گرفته، تا در پیش گرفتن سیاست‌های ویرانگر در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، رهبران جمهوری اسلامی همواره بیشترین تلاش خود را برای به قهقرا کشاندن جامعه ایران به خرج داده‌اند. کشوری همچون ایران که با برخورداری از غنی‌ترین منابع ثروت طبیعی و نیروی خلاق انسانی، می‌توانست در زمره پیشرفته‌ترین جوامع معاصر قرار داشته باشد، اکنون در قعر جهان فقر، بر سر اتخاذ پائین‌ترین رتبه، با فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین کشورها، رقابت می‌کند. از جمله، در این رابطه، خبرگزاری رسمی رژیم اسلامی، در تاریخ ۱۲ آبان ماه، به نقل از گوئل کهن، استاد علوم ارتباط، نوشت: «در شرایطی که در دنیا، ۸۰۰ میلیون نفر در گرسنگی مطلق بسر می‌برند، کشور ما با داشتن یک درصد از جمعیت جهان، ۱۷ درصد کل ذخایر گاز جهان و ۹ درصد از ذخایر نفت دنیا را در اختیار دارد که این موقعیت ممتازی را برای ما ایجاد کرده است، اما براساس برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱، متأسفانه ایران در ردیف صد و پنجاه و سوم از ۱۶۰ کشور جهان قرار دارد.»

به عبارت دیگر، ایران، دارنده بزرگترین منابع گاز و نفت جهان، در قعر جدول کشورهای عقب‌مانده دنیا قرار دارد و تنها، سه کشور جهان هستند که اوضاع اقتصادی و اجتماعی آنها، از ایران اسلامی، وخیم‌تر است. در ادامه این امار دهشتناک، اسحاق جهانگیری، وزیر صنایع و معادن رژیم جمهوری اسلامی، اعتراف می‌کند که درآمد سرانه در ایران، ۱۵۰۰ دلار می‌باشد، در حالیکه این رقم، در کشورهای همسایه و یا مشابه، ۱۰ هزار دلار می‌باشد. به سخنان جهانگیری باید اضافه کرد که زمانی که در ایران از درآمد سرانه صحبت می‌کنیم، منظور این نیست که هر شهروند ایران، ۱۵۰۰ دلار درآمد دارد، بلکه این رقم، میانگین درآمد سرانه همه شهروندان است، که باتوجه به شکاف عمیق طبقاتی و فاصله عظیم جهان فقر و ثروت در ایران، می‌توان به عمق فقر در کشور طالبان‌زده ایران، پی برد. گفتنی است که براساس ارقام رسمی جمهوری اسلامی، نزدیک به ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران، زیر خط فقر بسر می‌برند.

نمونه دیگری از تأثیرات حکومت اسلامی سرمایه بر جامعه ایران را می‌توان در وضعیت کودکان، مشاهده نمود. در اینجا هم جمهوری اسلامی، با فقرزده‌ترین کشورهای جهان به رقابت مشغول است. روزنامه آفتاب یزد مورخ ۱۶ آبان، به نقل از سلامتی معاون وزیر کار می‌نویسد: «در دنیا، ۲۵۰ میلیون کودک کمتر از ۱۴ سال، به کارهای سخت و غیرانسانی اشتغال دارند. ۱۵۳ میلیون کودک در آسیا، ۸۰ میلیون در کشورهای آفریقایی و ۱۷ میلیون در آمریکا لاتین، و از این میان، سالانه ۱۲ میلیون کودک، هرساله در معرض خطرات و حوادث ناشی از کار قرار می‌گیرند که ۱۲ هزار نفر از آنها، دچار آسیب‌های جدی و علاج‌ناپذیر می‌شوند.» آنچه سلامتی در این میان، ناگفته می‌گذارد، سهم کودکان ایرانی از این کودکان استثمارشده است. رژیم جمهوری اسلامی، تلاش زیادی بخرج می‌دهد تا از درج چنین آمار و ارقامی جلوگیری کند، اما تنها رای عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد که بیش از ۸۰۰ هزار کودک خردسال در ایران، از کمبود و نبود تغذیه رنج می‌برند. میلیون‌ها نفر از کودکان ایرانی، محروم از ابتدائی‌ترین امکانات تحصیلی، بهداشتی و اقتصادی، ناچار، به کار، گدائی، اعتیاد و تن‌فروشی روی می‌آورند. حتی مقامات جمهوری اسلامی هم بارها مجبور به اعتراف شده‌اند که مشکل ترک تحصیل کودکان و نوجوانان و روی آوردن آن به کار به منظور کمک به گذران اقتصادی خانواده‌هاشان، یکی از مشکلات بزرگ و جدی جامعه ایران است.

برای آنکه تصویر درستی از وضعیت کودکان ایرانی بدست آوریم، بد نیست اشاره‌ای داشته باشیم به سخنان رئیس اداره آموزش و

پرورش شهرستان حاجی‌آباد و هرمزگان که در روزنامه آفتاب‌یزد مورخ ۱۵ آبان‌ماه، به چاپ رسیده است، وی می‌گوید: «کلاس‌های ۳۴۲ واحد آموزشی این استان، در مکان‌های ساخته شده با چوب و برگ نخل که اصطلاحاً به آنها کپر می‌گویند، دایر شده است. بیش از ۱۲ هزار نفر، در مدارس کپری یک نوبته و دو نوبته، تحصیل می‌کنند، و این استان با کمبود هشت هزار و ۲۰۰ معلم روبروست.» البته باید اضافه کرد که کودکانی که در مدارس کپری تحصیل می‌کنند، جزو آندسته از کودکان خوشبخت ایرانی هستند که اساساً در زندگی پرمشقت خود، فرصت تحصیل می‌یابند.

در گزارش نگران‌کننده دیگری که در روزنامه همشهری به تاریخ ۱۵ آبان، انتشار یافته، می‌خوانیم که ۴۱ درصد از دانش‌آموزان دختر، به ناهنجاری‌های جسمی مربوط به بالاتنه دچار شده‌اند، که شامل بیماری‌هایی چون انحراف سر به طرفین، افتادگی شانه‌ها و پشت کج و امثال آن می‌شود. همین گزارش، دلیل این ناهنجاری‌ها را، نبود امکانات ورزشی مناسب، فضاهای محدود و محدودیت‌های سنتی، اعلام می‌کند. و البته با باید اضافه کرد که ناهنجاری‌های جسمی و فیزیکی، تنها بخشی از ارمغان جمهوری اسلامی برای دختران جوان است. در واقع شاید بزرگترین مشکل دختران ایران، ناراحتی‌های روحی ناشی از حاکمیت فرهنگ ضدزنی است که جمهوری اسلامی در طول ۲۳ سال اخیر، بر زنان کشور روا داشته، همان فرهنگی که روزانه دهها دختر جوان را به خودکشی سوق می‌دهد.